

نگرش و عملکرد پزشکان اطفال و زنان و زایمان شهرستانهای ساری و بابل در مورد قطع اقدامات احیاء در نوزادان بسیار بدحال

وجیهه غفاری ساروی^۱ مهران ضرغامی^۲ فاطمه شیخ مونسی^۳
سوسن موعودی^۴ فاطمه خادم^۵ محسن کرمی^۶

چکیده

سابقه و هدف: تصمیم‌گیری در مورد انجام و یا عدم انجام عملیات احیاء، مدت زمان ادامه و یا قطع آن در نوزادان بسیار بدحال با تردیدهای زیادی همراه است. این مطالعه به بررسی نگرش و عملکرد پزشکان اطفال و زنان و زایمان در این زمینه پرداخته است.

مواد و روش‌ها: در سال ۱۳۸۸، به کلیه پزشکان متخصص، فوق تخصص، دستیار و فلو اطفال و زنان و زایمان شهرهای ساری و بابل (۱۴۰ نفر) یک پرسشنامه بی‌نام در این زمینه ارائه شد، و ۷۵/۷ درصد افراد به آن پاسخ دادند.

یافته‌ها: بیش از ۷۰ درصد موارد، مخالف کمک به مرگ نوزاد بسیار بدحال، و کمتر از یک چهارم آنها موافق این کار بودند. هیچ کدام از پزشکان تاکنون دارویی برای تسریع مرگ این نوزادان تجویز نکرده بودند. قطع اقدامات احیاء در موارد مختلف نوزادان بسیار بدحال شایع نبود و حداکثر به وسیله یک پنجم پزشکان به تشخیص خودشان در نوزادان دارای آنومالی‌های متعدد مادرزادی گزارش شد. عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری پزشک برای قطع اقدامات احیاء در نوزادان بسیار بدحال به ترتیب عبارت بودند از تعداد فرزندان خانواده، فشار کارکنان بیمارستان، درخواست والدین نوزاد، جنس نوزاد، کمبود امکانات بیمارستانی، سابقه ناباروری والدین و وضع اقتصادی خانواده نوزاد. در بیشتر موارد اعتقادات مذهبی در تصمیم‌گیری برای ادامه و یا قطع درمان نوزاد بسیار بدحال مؤثر بود و منجر به موافقت بیشتر با تصویب قانونی در کشور برای شروع و یا ادامه درمان این نوزادان شده بود.

استنتاج: این مطالعه حاکی از غلبه نگرش تقدس زندگی بر نگرش کیفیت زندگی است. وضع قانون شفاف در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: نوزاد بسیار بدحال، اقدامات احیاء، خوش مرگی (اوتانازی)

مقدمه

توجهی داشته است (۱). ولی نگرانی والدین و پزشکان از عوارض جسمی و عصبی دائمی این نجات یافتگان

با پیشرفت علم و تکنولوژی و ایجاد بخش‌های مجهز ویژه نوزادان، مرگ این گروه سنی کاهش قابل

مولف مسئول: دکتر مهران ضرغامی - ساری: ۵ کیلومتر جاده نکاء، مرکز آموزشی درمانی زارخ - مرکز تحقیقات روانپزشکی E-mail: mzarghami@mazums.ac.ir

۱. فوق تخصص نوزادان و استادیار گروه اطفال دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۲. روان پزشک، استاد گروه روان پزشکی، مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۳. روان پزشک، استادیار گروه روان پزشکی، مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۴. دستیار سال سوم روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۵. دستیار اطفال دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۶. کارشناس ارشد مبارزه با بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی بابل

تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۱۶ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۸۸/۴/۹ تاریخ تصویب: ۸۸/۵/۱

کم نشده است. در این میان نوزادان با وزن و سن جنینی پایین و همچنین نوزادان دچار آسفیکسی شدید و یا ناهنجاری‌های مادرزادی متعدد از این نظر پرخطر (بسیار بدحال) تلقی می‌شوند. عوامل زیادی در تصمیم‌گیری پزشک برای قطع عملیات احیاء و درمان نوزاد موثر است که برحسب موقعیت منطقه (از جهت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی)، امکانات درمانی، مداخله خانواده، میزان بقای نوزاد، قوانین موجود و... متفاوت می‌باشد (۹-۲). شاید بتوان گفت مسائل فرهنگی و مذهبی مهمترین نقش را در تصمیم‌گیری پزشک و والدین دارد. هیچ اتفاق نظری در مورد اینکه کدام نوزاد باید تحت مراقبت شدید و کدامیک باید تنها تحت اقدامات حمایتی قرار گیرد، وجود ندارد (۱۰). در یک سوی طیف عده‌ای معتقدند که زندگی با هر کیفیتی بسیار با ارزش است در حالیکه عده‌ای دیگر بر این باورند که ارزش زندگی به توانایی‌های آینده بیماران (مانند توانایی برقراری ارتباط با دیگران و توانایی لذت بردن از زندگی) که مفهوم کیفیت زندگی را می‌رساند، بستگی دارد (۱۰). اگر چه با پذیرفتن تقدس زندگی، شروع و ادامه اقدامات شدید برای نگه‌داشتن هر نوزادی ضروری به نظر می‌رسد و این امر از لغزش‌های احتمالی در این زمینه پیشگیری خواهد کرد ولی صرف هزینه‌های فراوان برای بیماران مشرف به مرگ و ادامه اقدامات شدید برای نوزادانی که طول عمر کم و یا کیفیت پایین زندگی در انتظار آنان است، در کشورهای در حال توسعه سبب محدود کردن تعداد تخت‌ها برای سرویس دهی به سایر نوزادان و صرف هزینه‌های هنگفت می‌شود (۱). مطالعات اخیر نشان داده که بیشتر مرگ‌های بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان، به دنبال تصمیم‌گیری برای محدود کردن و یا صرف نظر کردن از اقدامات درمانی لازم برای ادامه حیات روی می‌دهد (۱۱). از دیدگاه متخصصین اطفال آمریکا، می‌توان برای نوزادانی که به طور غیر قابل برگشت در حالت کوما هستند و یا ادامه درمان آنها بی‌اثر به نظر می‌رسد، عدم انجام اقدامات درمانی را در نظر گرفت (۱۲). اما در

کشورهای مختلف عملکرد پزشکان در مواجهه با نوزادان بسیار بدحال متفاوت است (۹، ۱۳، ۱۴). در مطالعه‌ای در ده کشور اروپائی، محل کار پزشکان اطفال مهمترین پیش‌بینی‌کننده نظرات و عملکرد پزشکان در مورد تصمیم‌گیری در این خصوص بوده است (۱۰). در حالی که پزشکان متخصص اطفال در کشورهای حوزه بالٹیک و ایتالیا موافق با ادامه زندگی به هر قیمتی بودند اما در کشورهای سوئد، انگلیس و هلند به کیفیت زندگی اهمیت می‌دادند (۱۰). نتیجه مطالعه‌ای در هندوستان نشان داد در حالیکه پزشکان غربی روی حقایق و مشکلات مربوط به "خود کودک" تمرکز می‌نمایند، پزشکان هندی به تأثیر تصمیم‌گیری در مورد انجام و یا عدم انجام عملیات احیاء روی سایر کودکان خانواده، والدین و جامعه اهمیت می‌دهند (۳). با توجه به اطلاعات اندکی که در این زمینه در کشور ما وجود دارد و با عنایت به اینکه مطالعات قبلی نشان داده‌اند که عامل کشور مورد مطالعه، مهمترین پیشگویی‌کننده نگرش و عملکرد پزشکان در این خصوص می‌باشد (۱۰)، با این بررسی به ارزیابی نگرش و عملکرد پزشکان اطفال و زنان و زایمان (شامل متخصصین، فوق تخصص‌ها، دستیاران و فلوها) در شهرستان‌های بابل و ساری در مورد شروع و یا ادامه درمان نوزادان بسیار بد حال پرداختیم.

مواد و روش‌ها

این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که به روش مقطعی (Cross-Sectional) در سال ۱۳۸۷ انجام شد. جامعه مورد بررسی را کلیه پزشکان فوق تخصص، متخصصین، فلوشیپ‌ها و دستیاران اطفال و زنان و زایمان شهرستان‌های ساری و بابل تشکیل می‌دادند. پس از اخذ اسامی و نشانی پزشکان مذکور از دانشگاه‌های علوم پزشکی مازندران و بابل، طی مراجعه حضوری به پزشکان، ضمن توضیح پژوهش، از آنها درخواست شد در صورت تمایل، بدون ذکر نام خود به سؤالات پرسشنامه طرح که در اختیار آنها گذاشته می‌شد، پاسخ دهند. پس از هماهنگی در روز

تحلیلی محاسبه شد. بدین منظور از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۱/۵ و آزمون مربعات استفاده شد. لازم به توضیح است که این طرح تحقیقاتی به تصویب شورای پژوهشی مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری و کمیته اخلاق معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران رسیده است.

یافته ها

از ۱۴۰ نفر افراد مورد مطالعه ۱۰۶ نفر (۷۵/۷ درصد) به پرسشنامه ها پاسخ دادند که تقریباً نیمی از آنها پزشکان رشته زنان و زایمان و نیم دیگر پزشکان رشته کودکان بودند. ۸۵/۸ درصد آنها متأهل و ۸۵/۷ درصد دارای فرزند بودند. در ۱/۳ درصد موارد خودشان و در ۱۵/۱ درصد موارد بستگانشان داشتن نوزاد بسیار بدحال را تجربه کرده بودند. ۳۷/۷ درصد آنها زیر ۵ سال و ۲۲/۷ درصد آنها بالای ۱۵ سال سابقه کار داشتند.

طی یک سال گذشته به تفکیک ۹۳/۳ درصد، ۹۳/۳، ۹۲/۱ درصد و ۹۴/۳ درصد پزشکان مورد مطالعه با نوزادان کمتر از ۱۰۰۰ گرم، سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته، آسفیکیسی شدید و ناهنجاری های متعدد مادرزادی مواجهه شدند.

در جدول شماره ۱، نگرش و عملکرد پزشکان در خصوص قطع و یا عدم شروع اقدامات احیاء (خوش مرگی غیر فعال یا passive euthanasia) در نوزادان بسیار بد حال آورده شده است.

عوامل تأثیرگذار در تصمیم گیری پزشک برای قطع اقدامات احیاء در نوزادان بسیار بد حال به ترتیب عبارت

دیگر مجدداً با مراجعه حضوری، پرسشنامه های تکمیل شده از آنها تحویل گرفته شد. ابزار پژوهش، یک پرسشنامه خود ساخته بود که پس از مطالعات وسیع متون مربوطه، به منظور دستیابی به اهداف طرح تدوین شده بود. سئوالات پرسشنامه در ارتباط با ویژگی های دموگرافیک، میزان سابقه کار در رشته تخصصی، میزان برخورد با نوزادان بسیار بد حال در یکسال اخیر، ارزیابی نظرات و عملکرد پزشکان در خصوص اقدامات احیاء در این گروه از نوزادان بود. نوزادان به تفکیک شامل نوزادان با وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم، سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته، آسفیکیسی شدید و ناهنجاری های متعدد مادرزادی بودند، و همچنین در ارتباط با میزان اطلاع از وجود قوانین در کشور نیز سئوالاتی مطرح شد. آسفیکیسی شدید در این مطالعه، آسفیکیسی مرحله سوم براساس طبقه بندی Sarnat و Sarnat تعریف شده است (۱۱). و منظور از ناهنجاری های متعدد مادرزادی، ناهنجاری هایی بود که تهدیدکننده حیات نوزاد بودند و یا منجر به ناتوانی شدید جسمی و عقلی او می شدند. روائی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط اعضاء هیئت علمی و پژوهشگران مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن به روش باز آزمائی (test-retest) مورد بررسی قرار گرفت. ضریب همبستگی هر گویه و نیز گزینه ها و تغییرات آلفای کرونباخ ارزیابی گردید ($\alpha=0/8$).

داده های فرم اطلاعاتی طبقه بندی و نگرش افراد مورد بررسی در کل و به تفکیک مقطع تحصیلی با آمار توصیفی استخراج گردید. ارتباط بین متغیرها با آمار

جدول شماره ۱: نگرش و عملکرد موافق پزشکان در خصوص عدم شروع و یا قطع عملیات احیاء در نوزادان بسیار بد حال

قطع عملیات درمانی	نوزاد بسیار بد حال	نوزاد با وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم	سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته	آسفیکیسی شدید	ناهنجاری های مادرزادی متعدد
	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)
نگرش	به تشخیص خود پزشک	۲۵ (۲۳/۶)	۲۹ (۲۷/۴)	۳۳ (۳۱/۳)	۴۷ (۴۴/۳)
	به درخواست والدین	۱۵ (۱۴/۲)	۲۰ (۱۸/۹)	۲۵ (۲۳/۶)	۴۲ (۳۹/۶)
عملکرد	به تشخیص خود پزشک	۱۲ (۱۱/۳)	۱۹ (۱۷/۹)	۱۰ (۹/۴)	۲۳ (۲۱/۷)
	به درخواست والدین	۶ (۵/۷)	۷ (۶/۶)	۸ (۷/۵)	۱۵ (۱۴/۲)

بودند از: ۱- تعداد فرزندان خانواده، ۲- فشار کارکنان بیمارستانی، ۳- درخواست والدین نوزاد، ۴- جنس نوزاد، ۵- کمبود امکانات بیمارستانی، ۶- سابقه ناباروری والدین و ۷- وضع اقتصادی خانواده نوزاد. در بین عوارض نوزادی عواملی چون فلج مغزی، عقب ماندگی ذهنی و مشکلات چشمی بیشترین تأثیر را در تصمیم گیری برای قطع اقدامات احیاء بر طبق نظر خود پزشک و یا به درخواست والدین داشت و خونریزی داخل مغزی، عوارض مادر زادی قلبی و بیماری های ریوی مزمن امتیازهای بعدی را کسب کردند. جامعه مورد بررسی معتقد بودند که در تصمیم گیری در مورد انجام و یا عدم انجام عملیات احیاء نوزادان بسیار بد حال بیشترین تمرکز باید به ترتیب بر: ۱- پزشکان ۲- جامعه و خود نوزاد و ۳- والدین باشد. در بررسی نگرش و عملکرد در مورد خوش مرگی فعال (active euthanasia)، ۵ نفر (۴/۷ درصد) اعلام کردند که پزشک حق دارد برای مرگ آسان تر نوزاد بسیار بد حال، دارو تجویز کند. ۱۱ نفر (۱۰/۴ درصد) بیان نمودند که والدین حق دارند برای مرگ آسان تر نوزاد از پزشک بخواهد به او دارو تجویز کند و ۶ نفر (۵/۷ درصد) اظهار کردند که قاضی حق دارد به درخواست والدین برای تسریع در مرگ نوزاد بسیار بد حال، از پزشک بخواهد که به نوزاد داروی مرگ آور بدهد. هیچ کدام از پزشکان تاکنون به تشخیص خود، درخواست والدین و یا دستور قاضی به نوزاد بسیار بد حال دارویی برای تسریع در مرگ وی تجویز نکرده بودند. ۲ نفر (۱/۹ درصد) اعلام کردند که تاکنون شاهد دخالت قاضی در مورد ادامه یا قطع عملیات احیاء در مورد این نوزادان بودند. تنها ۲ نفر (۱/۹ درصد) بیان کردند که از وجود قانونی در کشور ما برای تصمیم گیری در این مورد اطلاع دارند. ۵۴ نفر (۵۰/۹ درصد) اعلام کردند که تصویب قانونی در کشور ما برای قطع درمان یا عدم شروع درمان در مورد نوزادان بسیار بد حال لازم است و ۵۰ نفر (۴۷/۲ درصد) آن را

لازم ندانستند. ۵۶ نفر (۵۲/۸ درصد) اعلام نمودند که مسائل اعتقادی و مذهبی در تصمیم گیری آنها برای ادامه و یا قطع درمان نوزاد بسیار بد حال مؤثر است. به طور کلی در مورد کمک به مرگ نوزاد شدیداً نارس ۲۱ نفر (۱۹/۸ درصد) کاملاً مخالف، ۵۴ نفر (۵۰/۹ درصد) مخالف، ۱۴ نفر (۱۳/۲ درصد) موافق و ۱۱ نفر (۱۰/۴ درصد) کاملاً موافق بودند. همان گونه که در جداول شماره ۲ و ۳ دیده می شود، بین نگرش افراد با تحصیلات متفاوت در مورد قطع اقدامات احیاء به تشخیص خود پزشک در نوزاد با آسفیکی شدید تفاوت های معنی دار وجود داشت ($P=0/03$). سابقه کار در رشته تخصصی نیز منجر به تفاوت های معنی داری در نگرش افراد در مورد قطع اقدامات احیاء در نوزادان با وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم، سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته و آسفیکی شدید شده بود ($P=0/01$). همچنین میزان برخورد با نوزادان با وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم در یکسال اخیر نیز منجر به تفاوت معنی داری در نگرش افراد در مورد قطع اقدامات درمانی به درخواست والدین شده بود ($P<0/05$).

نتایج پژوهش گویای آن بود که پزشکان متأهل، بیشتر از مجردها به درخواست والدین، عملیات احیاء را در مورد نوزادان دارای ناهنجاری های متعدد مادرزادی قطع کرده بودند ($P<0/05$). میزان سابقه کار در رشته تخصصی از عوامل مهم تأثیرگذار بر عملکرد پزشکان در مورد قطع عملیات احیاء در نوزادان با آسفیکی شدید به درخواست والدین بود ($P<0/05$). میزان برخورد با نوزادان بسیار نارس نیز عامل مهمی در عملکرد پزشکان در قطع عملیات احیاء در نوزادان با سن حاملگی کمتر از ۲۵ هفته به تشخیص خود و نیز به درخواست والدین بود ($P<0/05$). اعتقادات مذهبی منجر به موافقت بیشتر با تصویب قانونی در کشور برای شروع و یا ادامه درمان در نوزادان بسیار بد حال شده بود ($P<0/05$).

جدول شماره ۲: نگرش موافق قطع اقدامات احیاء در نوزادان بسیار بد حال در گروه های مختلف پزشکان

عنوان متغیر	نگرش موافق با قطع اقدامات احیاء			به تشخیص خود پزشک			به درخواست والدین		
	وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم	سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته	آسیفکسی شدید	وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم	سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته	آسیفکسی شدید	وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم	سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته	آسیفکسی شدید
	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)
جنسیت	زن	۱۲ (۱۱/۷)	۱۶ (۱۵/۶)	۲۷ (۲۶/۵)	۷ (۷)	۱۲ (۱۱/۸)	۱۲ (۱۱/۸)	۲۱ (۲۰/۶)	۲۰ (۱۹/۷)
	مرد	۱۲ (۱۱/۷)	۱۳ (۱۲/۷)	۲۰ (۱۹/۷)	۸ (۸)	۸ (۷/۹)	۱۳ (۱۲/۸)	۲۰ (۱۹/۷)	۲۰ (۱۹/۷)
فوق نوزادان	صفر	۱ (۰/۹)	صفر	۲ (۲)	صفر	صفر	صفر	۱ (۱)	۱ (۱)
متخصص اطفال	۵ (۴/۹)	۵ (۴/۹)	۴ (۳/۹)	۶ (۶)	۲ (۲)	۲ (۲)	۲ (۲)	۵ (۵)	۶ (۶)
متخصص زنان	۵ (۴/۹)	۷ (۶/۹)	۵ (۴/۹)	۱۳ (۱۲/۹)	۲ (۲)	۶ (۶)	۶ (۶)	۴ (۴)	۱۰ (۱۰)
دستیار اطفال	۶ (۵/۹)	۸ (۷/۸)	۱۰ (۹/۸)	۱۳ (۱۲/۹)	۶ (۶)	۷ (۶/۹)	۷ (۶/۹)	۱۰ (۱۰)	۱۴ (۱۴)
دستیار زنان	۸ (۷/۸)	۷ (۶/۹)	۱۲ (۱۱/۸)	۱۱ (۱۰/۹)	۴ (۴)	۴ (۴)	۴ (۴)	۴ (۴)	۹ (۹)
مجرد	۳ (۳)	۳ (۳)	۷ (۷)	۸ (۸)	۲ (۲)	۱ (۱)	۱ (۱)	۵ (۵)	۶ (۶)
متاهل	۲۲ (۲۲)	۲۶ (۲۶)	۲۶ (۲۶)	۲۹ (۲۹)	۱۳ (۱۳/۳)	۱۹ (۱۹/۲)	۲۰ (۲۰/۲)	۲۶ (۲۶/۳)	۲۶ (۲۶/۳)
میزان سابقه کار	<۵ سال	۱۶ (۱۷/۴)	۲۲ (۲۴)	۳۳ (۲۵/۳)	۱۱ (۱۲/۲)	۱۱ (۱۲/۲)	۱۲ (۱۳/۲)	۲۰ (۲۱/۸)	۲۰ (۲۱/۸)
در رشته تخصصی	۵-۱۵ سال	۴ (۴/۴)	۶ (۶/۵)	۲ (۲)	۱۲ (۱۳/۲)	۴ (۴/۴)	۶ (۶/۶)	۹ (۹/۹)	۹ (۹/۹)
	>۱۵ سال	۳ (۳/۳)	۴ (۴/۴)	۲ (۲/۲)	۶ (۶/۶)	۳ (۳/۳)	۳ (۳/۳)	۷ (۷/۷)	۷ (۷/۷)
میزان برخورد	کمتر از ۵ مورد	۱۴ (۱۴/۴)	۱۶ (۱۶/۵)	۲۱ (۲۱/۶)	۶ (۶/۶)	۹ (۹/۴)	۱۰ (۱۰/۵)	۱۹ (۱۹/۶)	۱۹ (۱۹/۶)
با نوزاد بسیار بد حال	بیشتر از ۵ مورد	۸ (۸/۲)	۹ (۹/۳)	۱۵ (۱۵/۶)	۲۱ (۲۱/۶)	۹ (۹/۵)	۱۱ (۱۱/۵)	۱۴ (۱۴/۷)	۲۱ (۲۱/۶)

موارد (*) نشان دهنده p.value کمتر از ۰/۰۵ می باشد.

جدول شماره ۳: عملکرد موافق با قطع اقدامات احیاء در نوزادان بسیار بد حال در گروه های مختلف پزشکان

عوامل دموگرافیک	عملکرد موافق با قطع اقدامات احیاء			به تشخیص خود پزشک			به درخواست والدین		
	وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم	سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته	آسیفکسی شدید	وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم	سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته	آسیفکسی شدید	وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم	سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته	آسیفکسی شدید
	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)
جنسیت	زن	۵ (۴/۸)	۱۱ (۱۰/۶)	۳ (۲/۹)	۱۰ (۹/۶)	۳ (۲/۹)	۴ (۳/۸)	۳ (۲/۹)	۶ (۵/۸)
	مرد	۷ (۶/۷)	۷ (۶/۷)	۷ (۶/۷)	۱۲ (۱۱/۵)	۳ (۲/۹)	۳ (۲/۹)	۵ (۴/۸)	۹ (۸/۷)
فوق نوزادان	۱ (۱)	۱ (۱)	۰	۲ (۱/۹)	۰	۰	۰	۰	۱ (۱)
متخصص اطفال	۳ (۲/۹)	۳ (۲/۹)	۴ (۳/۹)	۶ (۵/۸)	۱ (۱)	۱ (۱)	۱ (۱)	۱ (۱)	۲ (۱/۹)
متخصص زنان	۲ (۱/۹)	۴ (۳/۹)	۱	۵ (۴/۹)	۲ (۱/۹)	۲ (۱/۹)	۲ (۱/۹)	۲ (۱/۹)	۳ (۲/۹)
دستیار اطفال	۴ (۳/۹)	۴ (۳/۹)	۴ (۳/۹)	۶ (۵/۸)	۳ (۲/۹)	۳ (۲/۹)	۳ (۲/۹)	۳ (۲/۹)	۸ (۷/۸)
دستیار زنان	۲ (۱/۹)	۶ (۵/۸)	۱ (۱)	۳ (۲/۹)	۲ (۱/۹)	۲ (۱/۹)	۳ (۲/۹)	۳ (۲/۹)	۱ (۱/۱)
مجرد	۲ (۲)	۲ (۲)	۱ (۱)	۱ (۱)	۱ (۱)	۱ (۱)	۲ (۲)	۲ (۲)	۴ (۴)
متاهل	۱۲ (۱۱/۹)	۱۷ (۱۶/۹)	۹ (۸/۹)	۲۲ (۲۱/۸)	۵ (۴/۹)	۵ (۴/۹)	۵ (۴/۹)	۱۱ (۱۰/۹)	۱۱ (۱۰/۹)
میزان سابقه کار	<۵ سال	۷ (۷/۵)	۱۱ (۱۱/۸)	۲ (۲/۱)	۸ (۸/۶)	۳ (۳/۲)	۴ (۴/۳)	۲ (۲/۱)	۵ (۵/۴)
در رشته تخصصی	۵-۱۵ سال	۲ (۲/۱)	۲ (۲/۱)	۱ (۱/۱)	۴ (۴/۳)	۱ (۱/۱)	۱ (۱/۱)	۱ (۱/۱)	۳ (۳/۲)
	>۱۵ سال	۲ (۲/۱)	۳ (۳/۲)	۳ (۳/۲)	۶ (۶/۵)	۱ (۱/۱)	۱ (۱/۱)	۱ (۱/۱)	۳ (۳/۲)
میزان برخورد	کمتر از ۵ مورد	۷ (۷/۱)	۱۱ (۱۱/۲)	۱۸ (۱۸/۲)	۸ (۸/۲)	۲ (۲)	۵ (۵/۱)	۷ (۷/۲)	۹ (۹)
با نوزاد بسیار بد حال	بیشتر از ۵ مورد	۵ (۵/۱)	۸ (۸/۱)	۴ (۴)	۲ (۲)	۴ (۴)	۲ (۲)	۱ (۱/۱)	۵ (۵)

موارد (*) نشان دهنده p.value کمتر از ۰/۰۵ می باشد.

بحث

همانند مطالعات دیگر، نگرش موافق به تشخیص خود پزشک با قطع درمان در نوزادان با آسیفکسی شدید در میان پزشکان متأهل بیشتر از مجردها بود. همچنین تأهل با داشتن عملکرد موافق با قطع درمان در نوزادان با ناهنجاری های مادر زادی متعدد به درخواست والدین رابطه معنی داری داشت. این یافته نشان دهنده این است که ناهنجاری های متعدد مادرزادی که خود با عوارض زیاد و کیفیت زندگی پایین در نوزاد همراه است (۱۷،۲)،

در این مطالعه از نظر ترکیب جنسیتی، ۵۴/۷ درصد افراد مورد مطالعه زن و ۴۴/۳ درصد مرد بودند: تفاوت قابل ملاحظه ای در نگرش و عملکرد پزشکان از نظر جنسیت در خصوص قطع اقدامات احیاء در نوزادان بسیار بد حال دیده نشد. این یافته با مطالعه Rebagliato و همکارانش که نشان داد بیشتر خانم ها با قطع اقدامات درمانی (۱۰) و نتایج مطالعه Cuttini مبنی بر موافقت بیشتر آقایان با قطع اقدامات درمانی (۱۵)، هماهنگی ندارد.

در درخواست والدین از پزشک مبنی بر قطع اقدامات احیاء موثر بوده است و تأهل پزشکان و داشتن مسئولیت در قبال خانواده خود، با موافقت با درخواست والدین در این زمینه همراهی داشته است.

داشتن فرزند در نگرش و عملکرد پزشکان حائز اهمیت نبود که این یافته با مطالعه Rebagliato و Cuttini که نشان داده نداشتن فرزند با قطع درمان مرتبط بود، هماهنگی ندارد (۱۵،۱۰). تنها یکی از پزشکان سابقه داشتن فرزند بسیار بدحال را ذکر کرد که با قطع اقدامات درمانی در نوزاد با وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم و سن حاملگی کمتر از ۲۵ هفته موافق بود. اما با توجه به کم بودن تعداد پزشکان با سابقه داشتن نوزاد بسیار نارس، این یافته با اهمیت تلقی نمی شود.

یافته‌ها نشان داد هرچه آگاهی و تحصیلات پزشکان در مورد بیماری‌های کودکان و نوزادان افزایش می‌یابد، نگرش مثبت در رابطه با قطع اقدامات احیاء به تشخیص خود پزشک در نوزادان با آسفیکسی شدید کمتر می‌شود. این موضوع با افزایش سابقه کار و تجربه پزشکان در نوزادان با وزن کمتر از ۱۰۰۰ گرم و سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته و آسفیکسی شدید نیز صدق می‌کند، که با مطالعات دیگر هماهنگ است (۱۵،۱۰). به نظر می‌رسد که احتمالاً تجربه بیشتر موجب نگرانی این گروه از پزشکان در مورد افرات در خوش مرگی (هرچند غیر فعال) و افتادن در سراسیمی تند سوء استفاده از حق یا توانایی قطع اقدامات احیاء شده است.

بین میزان بر خورد با نوزادان بسیار بد حال و عملکرد موافق پزشک در مورد قطع اقدامات درمانی در سن جنینی کمتر از ۲۵ هفته به تشخیص خود پزشک و یا به درخواست والدین ارتباط معنی‌داری دیده شده است، که در مطالعه دیگری هم فعالیت در مراکز بیمارستانی دارای تخت‌های زیاد NICU، با داشتن نظر موافق با این قضیه همراه بود (۱۰). می‌توان این یافته را با مشاهدات پزشک در خصوص عواقب این تصمیم‌گیری بر خانواده‌ها و بار احساسی که آنها تحمل می‌کنند مرتبط دانست. در میان عوامل تأثیر گذار در تصمیم‌گیری پزشک

برای قطع اقدامات درمانی، تعداد فرزندان خانواده، فشار کارکنان بیمارستانی و درخواست والدین نوزاد بیشترین امتیاز را به دست آوردند که این نتایج با مطالعه Miljeteig در هندوستان قابل قیاس است (۳) در آن مطالعه نشان داده شد که مسئولیت پزشکان در صورت آگاهی آنها از تأثیر تصمیم ایشان بر اقتصاد خانواده، توانایی تأمین غذا، آموزش، تحصیل فرزندانشان و دسترسی کودکان دیگر به تجهیزات موجود در بخش و استفاده از منابع در یک جمعیت توسعه نیافته بیشتر می‌شده است.

در مورد مرجع تصمیم‌گیری در مورد انجام و یا عدم انجام عملیات احیاء، پزشکان بیشترین امتیاز را کسب کردند. در مطالعات دیگر نیز پزشکان را محق‌ترین افراد در انتخاب بیمارانی که باید اقدامات شدید حمایتی و درمانی را برای آنان متوقف کرد، می‌دانند (۱۶). هرچند آگاهی پزشکان از سیر بیماری و عوارض آن بیش از والدین است، ولی از آنجاکه این والدین هستند که باید با عواقب این تصمیم زندگی کنند، مشارکت آنها در این امر ضروری به نظر می‌رسد. تعداد اندکی از افراد شرکت کننده در مطالعه (حدود ۵ درصد) اعلام کردند که پزشک حق دارد برای مرگ آسان‌تر نوزاد بسیار بدحال به تشخیص خود و یا دستور قاضی به او دارو تجویز کند و تنها ده درصد بنا به درخواست والدین این اجازه را به پزشک می‌دادند و هیچ کدام تا کنون به تشخیص خود پزشک یا درخواست والدین و یا به دستور قاضی به نوزاد بسیار بدحال دارویی برای تسریع مرگ او تجویز نکرده بودند که نشان‌دهنده عدم موافقت پزشکان با خوش مرگی (اوتانازی) فعال می‌باشد و این امر با زمینه مذهبی جامعه مسلمان و غیرقانونی بودن تجویز دارو برای تسریع مرگ بیمار در کشور ما توجه‌پذیر است. هر چند بین نگرش و عملکرد این گروه از پزشکان ایرانی همانند پزشکان اروپائی (۱۰) در مورد عملیات احیاء و میزان تأثیر مسائل مذهبی همراهی دیده نشد، اما بین موافقت پزشکان با تصویب قانون در کشور برای قطع و یا عدم شروع درمان در نوزادان بسیار بدحال و مسائل اعتقادی و مذهبی ارتباط

معنی‌داری وجود داشت. این قضیه با توجه به این نکته توجیه پذیر است که در یکی دو دهه اخیر رویکرد متفاوتی در اندیشه برخی اندیشمندان و متفکران فلسفی، اخلاقی و حقوقی نسبت به خوش مرگی (اتانازی) مشاهده شده است که حتی مبنای قانونگذاری در برخی کشورها قرار گرفته است (۱۸). از نظر دینی گرچه پزشک حق ندارد چنین اقدامی انجام دهد اما در مورد میزان تأثیر و رضایت و اجازه بیمار بر میزان عقوبت پزشکی اختلاف نظرهایی وجود دارد (۲۱-۱۹). بدیهی است که در مورد اذن ولی یا قیم بیمار، ابهام بیشتری وجود دارد. وجود قانون صریح و روشن در کشور، پزشک را در تصمیم‌گیری در خصوص این بیماران راحت می‌گذارد تا با دانستن جزئیات آن، کشمکش فکری در مورد عواقب تصمیم‌گیری سلیقه‌ای خود نداشته باشد.

در میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌ها، در زمینه خوش مرگی فعال ۱۹/۸ درصد نظر کاملاً مخالف، ۵۰/۹ درصد نظر مخالف، ۱۳/۲۰ درصد نظر موافق و ۱۰/۴ درصد نظر کاملاً موافق داشتند و در کل بیش از ۷۰ درصد مخالف قطع اقدامات احیاء در نوزادان بسیار بدحال بودند که حاکی از تقدس نفس انسان هر چند معلول، در نگرش پزشکان است. یعنی نگرش تقدس زندگی بر نگرش کیفیت زندگی غلبه دارد. با توجه به اینکه مطالعات قبلی بر تأثیر نگرش پزشکان در این زمینه بر عملکرد آنها تأکید کرده است (۳)، اهمیت این موضوع دو چندان می‌شود. با توجه به اینکه این مطالعه نظرات پزشکان را در این مورد ارزیابی کرده، توصیه می‌شود نگرش والدین نوزادان و مراجع قانونگذاری که خود سهم بزرگی در تصمیم‌گیری دارند، نیز مورد بررسی قرار گیرد تا با گردآوری اطلاعات و کسب تکلیف از مجتهدین مذهبی، اشراف به این موضوع برای قانونگذار بیشتر شود. نوزادانی که وضع قانون در مورد آنها ضرورت دارد، سه گروه هستند: اول نوزادانی که احتمال زنده ماندن آنها با امکانات موجود وجود ندارد. دوم نوزادانی که پیش‌آگهی خیلی بدی دارند و وابسته به مراقبت‌های ویژه هستند و اگر زنده بمانند، پیش‌آگهی

و کیفیت زندگی خیلی بدی خواهند داشت. گروه سوم، نوزادانی هستند که وابسته به مراقبت‌های ویژه نیستند ولی پیش‌آگهی ناامیدکننده‌ای دارند و از نظر والدین و پزشکان خبره، رنج غیرقابل تحمل خواهند داشت (۹). از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به محدود بودن موقعیت جغرافیایی مطالعه اشاره کرد. توصیه می‌شود مطالعه وسیع‌تری روی نمونه‌های بیشتری از سراسر کشور انجام شود. علیرغم اطمینان بخشی مبنی بر محرمانه بودن اطلاعات فردی، احتمال کم گزارش‌دهی (underreporting) را نمی‌توان نادیده گرفت. هرچند این معضل در سایر مطالعات نیز وجود داشته است (۱۰). از دیگر محدودیت‌ها، می‌توان به عدم شرکت عده‌ای از پزشکان و عدم پذیرش برخی از آنها حتی در مطرح کردن موضوع طرح اشاره کرد.

باتوجه به جوان بودن رشته فوق تخصصی نوزادان در ایران و نوپا بودن بخش‌های ویژه نوزادان و تعداد کم پزشکان فوق تخصصی نوزادان، بررسی اثر متغیرهای مختلف در نگرش و عملکرد این افراد به ویژه در یک منطقه جغرافیایی محدود قابلیت تعمیم‌پذیری خوبی ندارد. این مطالعه به نظرسنجی از پزشکان شاغل در ساری و بابل پرداخته است، و کسانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند از نظر کار روی نوزاد بدحال و کم وزن یکسان نبوده‌اند. در حالیکه برخی از پزشکان تنها در مطب‌ها به ویزیت کودکان مشغولند و به ندرت با نوزاد بدحال روبرو می‌شوند، پزشکان شاغل در بخش‌های نوزادان و NICU هر لحظه با چالش تصمیم‌گیری در این مورد همراهند. بدیهی است که نگرش و عملکرد چنین گروه ناهمگونی، ارزش یکسان ندارد.

سپاسگزاری

از کلیه پزشکان و دستیاران که در این پژوهش همکاری کردند، و بخصوص از سرکار خانم دکتر فاطمه ادبی به خاطر کمک به اجرای این پژوهش صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

References

- Costa D, Ghazal H, Khusaiby S. Do not resuscitate orders and ethical decisions in a neonatal intensive care unit in a muslim community. *Arch Dis Child Fetal Neonatal Ed* 2002; 86: 115-119.
- Byrne S, Gold Smith JP. Non-initiation and discontinuation of Resuscitation: *Clin Perinatol* 2006; 33: 197-218.
- Miljeteig I, Norheim Of. My job is to keep him alive, but what about his brother and sister? How Indian doctor experience ethical dilemmas in neonatal medicine: *Dev World Bioeth* 2006; 6: 23-32.
- Bellini C. Quality of life is a misnomer: the case for neonatal Euthanasia: *J Medicine Person* 2006; 4: 103-105.
- Garel M, Seguret S, Kamnski M, Cuttini M. Ethical decision making for extremely preterm deliveries. *J Matern Fetal Neonatal Med* 2004; 15: 394-399.
- Richards N. Life or death decisions in the NICU. *J Perinatal* 2006; 26: 248-251.
- Singh J, Lantas J, Meadow W. End of life after birth: death and dying in a neonatal intensive care unit. *Pediatric* 2004; 114: 1620-1626.
- Semioni U, Vendemmia M, Ritotti A, Gammerre M. Ethical dilemmas in extreme prematurity: recent answer, more questions. *Eusj Obstet Gynecol Reprod Biol* 2004; 117: supp1: 33-36.
- Verhagen E, Sayer PJ. The groningen protocol- Euthanasia in Severely ill Newborns. *New Engl J Med* 2005; 352: 959-962.
- Rebagliato M, Cuttini M, Broggin L. Neonatal end of life decision making. *JAMA* 2000; 284: 24s1-2459.
- Mantin R.J, Fanarrolf AA, Walsh CM. Neonatal- perinatal medicine, disease of fetus and infant: 8th edition. Philadelphia: Mosby; 2006. P 35-47.
- Sadock B, Sadock V. Comprehensive textbook of psychiatry, 8th ed. New york: Lippincott Williams & wilkins; 2005. p 2362.
- Vehangen E, Sauer P.J. End of life decisions in new borns. An approach from the netherland. *Pediatrics* 2005; 116: 736-739.
- Guedi M, Gibert M, Maudet A. the acceptability of ending a patient's life. *J Med Ethics* 2005; 31: 311-317.
- Cuttini M, casotto V, Kaminski M. Should euthanasia be legal? An international survey of neonatal intensive care unit staff. *Arch Dis Child Fetal Neonatal Ed* 2004; 89: 19-24.
- Streiner DL, saigal S, Burrows E, Stroskopf B, Rasenbaum P. Attitudes of parents and health care professionals toward active treatment of extremely premature infants. *Pediatrics* 2001; 108(1): 152-157.
- Kliegman RM, Behrman RE, Janson HB, Stanton BF. Nelson text book of pediatrics: 18th edition. Philadelphia: Saunders; 2007. p 40.
- Abaasi M. Mercy killing, a new challenge beyond medical ethics and law. *Ettelaat paper*: 23683: 15-18.
- Oodeh A. A ttashrioljenaiioleslami. Beirut: Darol ketabelarabi; 1974: 441.
- Ayatoollahozma khoe. Mat baoladab 1976.
- Mohaghaghe Helli. Sharayeoleslam Najafe Ashraf: Matbool adab 1976.